

استهزای جنگ در آثار آریستوفان (کهن‌ترین کمدی‌نویس جهان)

عظالله کوپال*

استادیار دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۲/۲۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۷/۱۳)

چکیده

کهن‌ترین کمدی‌نویس جهان باستان، که آثارش به دست ما رسیده، آریستوفان یونانی است. از یونان باستان در سده پنجم پیش از میلاد، نام کمدی‌نویسان بی‌شماری به دست آمده، ولی آثار هیچ یک از آنها، به طور کامل یافته نشده است. بنابراین، یگانه معیار قضاوت درباره کمدی‌های عصر طلایی یونان باستان، نمایشنامه‌های آریستوفان است. وی را می‌توان پایه‌گذار کمدی در جهان دانست. درباره اش اطلاعات اندکی موجود است و حقایق زندگی او را از دل نمایشنامه‌هایش باید استخراج کرد. او در دوران جنگ فرساینده «آتن و اسپارت» و «آتن و سیسیل» می‌زیست و در بسیاری از آثارش، بازتابی از این جنگ‌های فرساینده را به نمایش درآورده است. چهار نمایشنامه از آثار یازده گانه او، به نام‌های «آخانی‌ها»، «صلح»، «پرنندگان» و «لوسیستراتا»، دارای طرح داستانی آشکاری بر ضد این جنگ‌ها هستند. آریستوفان در این آثار با استهزای حکمرانان جنگ طلب آتنی، رویای مدینه فاضله‌ای را عاری از سودای جنگ، پی‌ریزی می‌کند. کمدی‌های آریستوفان به رغم گذشت بیست و پنج قرن از آفرینش آنها، اجراهای بی‌شماری در سده گذشته میلادی و قرن بیست و یکم داشته و به زبان‌های گوناگون جهان ترجمه شده است. یکی از دلایل رویکرد چشمگیر به کمدی‌های او را می‌توان ستیزه‌اشتی ناپذیر وی با جنگ دانست.

واژه‌های کلیدی

آریستوفان، کمدی، جنگ، صلح، آرمان شهر.

*تلفن: ۰۲۶-۳۴۱۸۲۳۸۰، نمابر: ۰۲۶-۳۴۱۸۱۵۶، E-mail: koopal@kiaou.ac.ir

مقدمه

لشکرکشی دریایی یونانیان آغاز شد. حوادث و رویدادهای این نبرد، به عنوان سرچشمه بسیاری از افسانه‌های یونانی و دیگر اقوام اروپایی، مطرح گشت و بر اساس آن، مجموعه‌های متعدد حماسی و داستانی تألیف شد. از جمله کهن‌ترین تألیفات یاد شده، می‌توان به دو منظومه هومر به نام‌های ایلیاد و اودیسه و منظومه اینه‌اید، سروده ویرژیل اشاره کرد.

دو جنگ مهم دیگر در آغاز سده پنجم پیش از میلاد، عبارت بود از لشکرکشی‌های بزرگ ایرانیان به سرزمین یونان؛ یعنی حمله داریوش اول در سال ۴۹۰ ق.م. و حمله خشایارشا در ۴۸۱ ق.م. ایرانیان در این دو حمله به آتن، توفیق تفوق بر این سرزمین را نیافتند و با پایان عملیات جنگی ایران علیه یونان و با منتفی شدن خطر حمله خارجی، عصر طلایی آتن در سده پنجم پیش از میلاد آغاز گشت. آتن که از دو حمله بزرگ ایرانیان رهایی یافته بود، مجال پیدا کرد تا خود را بازسازی کند و هنر و دانش و فرهنگ خویش را در غیاب دشمن خارجی شکوفا سازد. اما جنگ مدهش و خانمان برانداز دیگری هم در راه بود که دموکراسی و عصر طلایی آتن را در نیمه دوم قرن پنجم ق.م. بلعید و شکوه و شوکت آتن را، سبعمانه به یغما سپرد؛ یعنی جنگ پلوپونزی. جنگ تروا، اگر چه در اسطوره‌ها، نتیجه‌ای توأم با پیروزی به همراه داشت، اما نبرد پلوپونزی، بیماری، طاعون، شکست و غارت را برای آتنی‌های جنگ‌زده به ارمغان آورد. دشمن خانگی و جنگ داخلی، در کمین این عصر شکوفا نشسته بود و آتن به گفته ویل دورانت، مولف کتاب تاریخ تمدن، با آغاز جنگ با اسپارت در سال ۴۳۱ ق.م. انتحار کرد.

آریستوفان در حالی که شاهد همه نابسامانی‌های ناشی از جنگ در موطن خویش بود، با بیزاری از این نبردهای بی‌حاصل، کمدهای جاودان خود را علیه جنگ، در تماشاخانه‌های آتن به روی صحنه برد. در تاریخچه ادبیات نمایشی جهان، آریستوفان اولین نویسنده‌ای است که فریاد بلند اعتراض خود را بر ضد جنگ و حکمرانان جنگ‌طلب سر داده است. او حتی پارا از این هم فراتر گذاشته و به استهزای جنگ در آثار خود پرداخته است. این در حالی است که حاکمان جنگ افروز آتنی، از ادامه جنگ سود سرشاری کسب می‌کردند و موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را تحکیم می‌بخشیدند. با این حال کمدهی نویس شجاع، پرچم ستیز با جنگ را برافراشت و به رغم تهدیدها و خشونت‌ها، بر طبل ضدیت با جنگ کوفت.

از هنگام خلقت بشر تا کنون، جنگ، همزاد و همراه وی بوده است و انسان‌ها از دیرباز تا امروز، به منظور نبرد و نابودکردن یکدیگر، پیوسته به تولید جنگ‌افزارهای نوین و تکامل جنگ‌افزارهای دیرین پرداخته‌اند. نخستین جنگ‌افزارها، حتماً بسیار ساده بوده‌اند. از هنگامی که بشر دریافت که جز با دست‌ها و پاها و دندان‌هایش، می‌تواند با هر قطعه سنگ یا چوبی که در دسترسش باشد، دشمن را (خواه حیوان و یا انسان) از پا درآورد، دائماً در اندیشه یافتن سلاحی کشنده‌تر برای دفع دشمنان خود بوده است.

جنگ، دشمن بزرگ بشریت به شمار می‌رود، اما بی‌گمان یکی از بزرگ‌ترین دشمنان جنگ نیز از دیرباز تا کنون، کمدهی بوده است. کمدهی‌نویسان غالباً جنگ را مورد استهزا قرار داده‌اند. در کمدهی‌های پلاتوس رومی، «شمشیر به دستان»، به عنوان افرادی مضحک به تصویر کشیده شده‌اند. در دوره معاصر، شبیه همین دیدگاه را در باره نظامی‌ها با رویکردی ریشخندآمیز در نمایشنامه سه خواهر چخوف نیز می‌توانیم مشاهده کنیم. در میان نمایشنامه‌های کمدهی در قرن بیستم که مستقیماً به جنگ و پیامدهای آن پرداخته‌اند می‌توان از «پیک نیک در میدان جنگ» اثر فرناندو آرابال نام برد که هجویه‌ای سیاه بر ضد جنگ است. همچنین می‌توان از نمایشنامه «تاکمراگه درخت» اثر پیتر یوستینف یاد کرد که به عواقب دردناک جنگ به گونه‌ای مضحک و تمسخرآمیز می‌نگرد. در میان آثار سینمایی نیز «دیکتاتور بزرگ» چارلی چاپلین به تمسخر هیتلر و یارانش پرداخته است. به نظر می‌آید کمدهی نویسان در برخورد با جنگ، آن را پوچ و بیهوده یافته‌اند و بالحنی سرزنش‌آمیز به استهزای آن پرداخته‌اند. اگرچه بنا بر یافته‌های موفقی که از سرآغاز پیدایی کمدهی به دست آمده، سرچشمه پیدایش کمدهی هیچ ربطی به جنگ نداشته، اما آریستوفان بزرگ‌ترین و یگانه کمدهی‌نویس یونانی که آثارش از دوران کمدهی کهن یونان برجای مانده، بیشتر آثارش را بر ضد جنگ پلوپونزی، یعنی جنگ بین آتن و اسپارت خلق کرده است.

یونانیان، در میانه سده پنجم پیش از میلاد، خاطره چند جنگ بزرگ را نیز در سر داشتند. یکی عبارت بود از نبردی اسطوره‌ای در عصری نامعلوم و گذشته‌ای مبهم، که جنگ تروا نام داشت و در منظومه‌های هومر بازتاب یافته بود. جنگ تروا میان یونانیان و ترواییان که احتمالاً در آسیای صغیر ساکن بودند، به علت ربوده شدن هلن (همسر منلائوس پادشاه اسپارت) از یونان، توسط پاریس (پسر فرمانروای تروا)، با

پیشینه و فرضیه تحقیق

از دیالوگ‌های شخصیت‌های نمایشنامه، ارجاعات مختلفی به تاریخ، جغرافیا، اساطیر و شخصیت‌های معاصر آریستوفان، از جمله سیاستمداران یا نمایشنامه‌نویسان دیگر دیده می‌شود که مترجم را در هر صفحه با انبوهی از اطلاعات جانبی مواجه می‌کند که بدون رمزگشایی از هر یک از آنها، فهم اثر، دشوار

تا سال ۱۳۷۸ هیچ یک از آثار آریستوفان به فارسی برگردانده نشده بود و لذا بدون در دسترس بودن آثار وی، هیچ پژوهشی نیز بر روی کمدهی‌های آریستوفان صورت نگرفته بود. نمایشنامه‌های آریستوفان، ساختار پیچیده‌ای دارند و در هر یک

زیستن در میان جنگ

آریستوفان در حدود سال‌های ۴۴۸ تا ۳۸۰ پیش از میلاد می‌زیست. دوره جوانی حیات او با عصر اقتدار «پریکلس»، حکمران مقتدر آتن هم‌زمان بوده است. جنگ آتن و اسپارت در آوان جوانی آریستوفان، در سال ۴۳۱ پیش از میلاد و بر اثر جاه‌طلبی پریکلس آغاز گشت. این جنگ سبب گردید که کم‌دی نویسنده جوان یونانی، مانند بسیاری از مردم دیگر، زمین‌ها و مزارع خود را ترک گوید و همانند بیشتر مردم روستانشین شبه جزیره آتیکا، مهاجرت کند و در آتن اقامت گزیند. او زندگی شهری را دوست نمی‌داشت و از اینکه مجبور شده بود به واسطه این جنگ ناخواسته به مردمان سرزمین اسپارت و متحدانش کینه بورزد، آزرده خاطر بود.

زندگی یونانیان عهد باستان، از دیرباز همواره با جنگ پیوند خورده بود و تمامی یونانیان به شکل حیرت‌آوری با جنگ و مسایل مربوط به آن درگیر بودند. در تاریخ یونان، چنین ثبت شده که تراژدی‌نویسان بزرگ از جمله آیسخولوس، سوفوکلس و اورپیدس، با فنون جنگ آشنایی داشته‌اند و آیسخولوس در نبرد سپاه یونان با لشکر خشایارشا شرکت داشته (رابینسون، ۱۳۷۰، ۲۴۹) و در خصوص سوفوکلس، نقل شده که در ارتش یونان درجه ژنرال داشته است (توین‌بی، ۱۳۶۸، ۲۳۷). در یونان باستان، آشنایی با فنون جنگاوری و کاربرد اسلحه جنگی، بخشی از برنامه آموزش جوانان در کنار کسب علم و معرفت بوده است و از این رو می‌بینیم که توصیف‌های این تراژدی‌نویسان از صحنه‌های نبرد، بسیار زنده، واقعی و باورپذیر است. سقراط نیز جزو افراد پیاده‌نظام سنگین اسلحه آتن بود و در جنگ پلوپونزی برای خود شهرت جنگاوری کسب کرد (دورانت، ۱۳۶۷، ۴۰۷).

هزینه‌های فراوان جنگ و تدارک ملزومات نظامی، از خزانه مردم آتن پرداخت می‌شد. سود فراوانی که سوداگران از تجهیز امکانات جنگی و خرید و فروش و زدوبندهای تجاری مربوط به جنگ به دست می‌آوردند از یک سو و تلاش برای از میدان به بردن رقبای تجاری توسط نیروی نظامی و تأسیس بازارهای جدید از سوی دیگر، عواملی بودند که حکمرانان آتن را به جنگ ترغیب می‌کردند.

با هجوم جنگ‌زدگانی که از گوشه و کنار به سوی آتن سرازیر شدند، جمعیت آتن افزایش یافت. آتن در نیمه سده پنجم پیش از میلاد حدود صد و چهل هزار نفر جمعیت داشت. تنها سندی که درباره جمعیت آتن در آن ایام به دست آمده، خبری است که در کتاب توکویدس (توسیدید) نقل شده است. به موجب این سند، «قبل از آغاز جنگ پلوپونزی، جمعیت شهروندان آتنی، اعم از زن و مرد و کودک تقریباً یکصد و سی و پنج تا یکصد و چهل هزار نفر و تعداد افراد خارجی (غیر شهروند) در همان تاریخ، حدود هفتاد هزار نفر بوده است. جمعیت بردگان نیز در آن دوران، معادل مجموع این دو گروه بود. بنابراین جمعیت آتن در کل به حدود چهارصد و ده تا چهارصد و بیست هزار نفر بالغ می‌شد» (بهمنش، ۱۳۷۱، ۳۰۰).

بر اثر مهاجرت اجباری، ازدیاد ناگهانی جمعیت و به هم

و چه بسا ناممکن می‌گردد. شاید از این رو، مترجمان رغبت چندانی به برگرداندن آثار وی به زبان فارسی نشان نمی‌دادند. ضمن آنکه در مقایسه با شاهکارهای تراژیک یونان و روم باستان، آثار کم‌دی کمتر مورد توجه واقع می‌شدند. در آن هنگام که نگارنده، ترجمه نمایشنامه «پرندهگان» را که غالباً از آن به عنوان شاهکار آریستوفان یاد می‌کنند، آغاز کرد، گمان نمی‌برد که ترجمه این کم‌دی چنان کار دشوار و بغرنجی باشد که نزدیک به یک سال وقت ببرد. به ویژه آنکه درک سخنان هر یک از شخصیت‌ها، بدون استخراج اعلام موجود در گفته آنها ناممکن می‌نمود و استخراج اعلام، علاوه بر ترجمه اثر، خود به کار مستقل و نفس‌گیر دیگری بدل شد، که پژوهشی ژرف در تاریخ و فرهنگ یونان باستان را می‌طلبد.^۱ در سال ۱۳۸۴، کتاب سرچشمه پیدایش کم‌دی به قلم راقم این سطور انتشار یافت که پژوهشی گسترده بر روی چگونگی پدید آمدن کم‌دی در یونان باستان و زندگی‌نامه و آثار آریستوفان بود. در این کتاب، ضمن بررسی تاریخچه و ساختار کم‌دی‌های یونانی، چکیده و پی‌رنگ کلیه کم‌دی‌های آریستوفان به همراه تحلیل شخصیت‌ها و داستان هر نمایشنامه ذکر شده است و پژوهشگران برای بررسی هر یک از کم‌دی‌ها می‌توانند به صورت مستقل به هر بخش کتاب مراجعه کنند و همچنین برای مطالعات بیشتر، در هر فصل، منابع معتبر را به زبان انگلیسی درباره آریستوفان و آثار او بیابند. بدین طریق این امکان فراهم آمده است که بر روی موضوعات گوناگونی که در نمایشنامه‌های آریستوفان وجود دارد، پژوهش تخصصی به عمل آید. از جمله این موضوعات عبارتند از: بن‌مایه‌های آثار، هسته‌های داستانی، شخصیت‌ها و تحلیل آنها، اشارات اساطیری، اشارات تاریخی، ساختار سیاسی و محاکم قضایی در یونان باستان، بررسی نام و جایگاه کشور ایران در آثار او، دیدگاه‌های فلسفی نویسنده، دیدگاه‌های ادبی و هنری نسبت به تراژدی نویسان هم‌عصر وی، دیدگاه‌های ادبی و هنری نسبت به کم‌دی نویسان هم‌دوره او، جنگ در آثار او، نقش و جایگاه زنان در این کم‌دی‌ها و همچنین موضوعات متعدد دیگر که هر یک به تنهایی می‌توانند دستمایه کارهای پژوهشی مستقل درباره کم‌دی‌های آریستوفان باشند.

نگارنده، مشخصاً به موضوع جنگ در آثار این نمایشنامه نویسنده یونان باستان پرداخته است. آریستوفان با اینکه خود جنگاوری چیره‌دست و گشاده‌دل بود، اما از جنگ‌هایی که آتن را به نابودی می‌کشید نفرت داشت و در نمایشنامه‌های خود با بی‌باکی و بی‌پروایی، مسببان جنگ را مورد شدیدترین شماتت‌ها و انتقادهای قرار می‌داد. او به ویژه، مخالفت خود را با جنگ‌های دراز مدت پلوپونزی که شرح آن در پی خواهد آمد، در آثار خود ابراز می‌داشت. این مقاله ضمن بررسی پایگاه طبقاتی و جایگاه اجتماعی آریستوفان در جامعه جنگ‌زده آتن، به دنبال ریشه‌یابی سرچشمه این نفرت از جنگ در آثار او است و همچنین بر آن است تا آشکار سازد که آریستوفان چگونه این نفرت را در قالب هنر کم‌دی ریخته است و به جای نشر کینه، با سلاح خنده به رویارویی جنگ رفته است.

کلئون، جنبه طبقاتی داشت» (همان، ۱۳۴). اچ. جی. رُز در کتاب تاریخ ادبیات یونان این موضوع را با توجه آرایش طبقاتی جامعه آتن در دوران جنگ پلوپونزی چنین تشریح کرده است: «ستون فقرات جامعه آتن، مانند هر جامعه محافظه کار دیگری، زمین داران و ملاکانی بودند که از توسعه طلبی نظامی و در نتیجه، از رونق افتادن داد و ستد، چندان سود نمی بردند و از جنگ و تهاجم، ناامیده می شدند، یا لافل آن عده از ایشان که مرتباً در مجلس و محاکم قانونی حضور می یافتند، به طور کلی، شامل پیشه وران و سوداگران عمده یا خرده پا بودند که در رأس ایشان کلئون دباغ قرار داشت (کلئون را به این جهت دباغ می خواندند که صاحب یک کارگاه دباغی بود). برای این عده، جنگ به معنای اشتغال بود، چرا که کشتی ها نیاز به پارو زن پیدا می کردند و عده زیادی از کارگران فقیر بخش کشاورزی را با دستمزد نسبتاً خوب، جذب خود می نمودند (رُز، ۱۳۵۸، ۳۲۱). البته تمام آثار آریستوفان به موضوع جنگ نمی پردازند. موضوعات دیگری همچون زنان در جامعه آتن، دادگاه ها، فلسفه و به ویژه سقراط، تراژدی و ادبیات و همچنین اوریپید، از موضوعات دیگری هستند که آریستوفان بر آنها تمرکز کرده است. اما مخالفت با جنگ برای آریستوفان، نوعی دفاع از اصالت خانوادگی و طبقاتی وی به شمار می آمد. او با نخستین ظهور خود در جشنواره های تتاتری، با اینکه بن مایه های ستیزه جویانه ای را برمی گزید، اما به واسطه نبوغ خود از همان ابتدا در این جشنواره ها درخششی آشکار داشت.

کمدی های یونانی در کنار تراژدی ها، در جشنواره های تتاتری به صحنه می رفتند. معروف ترین این جشنواره ها، «دیونوسای بزرگ» بود که به مدت پنج روز، در ماه مارس (اواخر زمستان) برگزار می شد. اما جنگ، بر برنامه های نمایشی این جشنواره تأثیر منفی گذاشت. «در پنجمین روز جشنواره، پنج کمدی به صحنه می رفت. اما در طول جنگ های پلوپونزی ظاهراً فقط سه نمایش کمدی، پس از ارائه کار تراژدی نویسان به اجرا در می آمد» (گلدهیل، ۱۳۸۰، ۳۰). دلیل کاهش روزهای برگزاری جشنواره، بی تردید وخامت اوضاع اقتصادی جامعه به دلیل جنگ بوده است. اما حتی جنگ نیز نتوانست مانع از رقابتی بودن جشنواره های تتاتری شود. در هر جشنواره ای، داوران به شماری از عوامل هر نمایش، از جمله نمایشنامه نویس جایزه می دادند و آریستوفان نیز همچون تراژدی نویسان هم دوره خود از این جوایز بی نصیب نمانده است.

از آثار باقی مانده او، نه نمایشنامه اصطلاحاً به دروه کمدی کهن تعلق دارند. این آثار قبل از شکست آتن در جنگ پلوپونزی نوشته شده اند و اغلب دارای جنبه های شدیداً سیاسی و گاه بر ضد حاکمان وقت آتن هستند. علاوه بر سیاستمداران، دو اندیشمند برجسته یونانی، سقراط فیلسوف و اوریپید تراژدی نویس، از نیش تند و تیز انتقادهای گزنده آریستوفان در امان نمانده اند.

بنابر شواهد موجود فقط آریستوفان در این دوره به انتقاد از سیاست حاکمان آتن نپرداخته است. یکی از رقیبان سرسخت آریستوفان طی سال های ۴۲۹ تا ۴۱۱ ق.م. (ائوپولیس) نام

خوردن تعادل جامعه و عدم رعایت بهداشت، در سال ۴۳۰ پیش از میلاد، طاعون در آتن شیوع یافت و مردم، پریکلس را مسبب این بلای خانمان سوز می دانستند. پریکلس نیز تاوان این خطای خود را پرداخت و یک سال بعد، خود بر اثر طاعون جان سپرد و قربانی همان سیاستی شد که خود به راه انداخته بود. اما جنگ با اسپارت که به نام جنگ های پلوپونزی-همریشه با نام شبه جزیره پلوپونزوس با مرکزیت اسپارت-مشهور شد، تا سال ۴۰۴ پیش از میلاد به تناوب ادامه یافت. تا اینکه سرانجام در آن سال، آتن از پا درآمد و تسلیم شد. طی این مدت، جنگ سالاران آتنی به طور همزمان با سیسیل نیز وارد جنگ شدند که نتیجه آن، جز شکست برای آتن رقم نخورد.

آریستوفان که شاهد همه این فجایع بود، مهم ترین عامل فلاکت مردم آتن را در همین جنگ ها می دید. ریشه خانوادگی او از طبقه اشراف بود. زمین داران و ملاکان از این توسعه طلبی و تهاجم سودی نمی بردند و در نتیجه، داد و ستدشان نیز از رونق افتاده بود. اما آریستوفان برای کسب سود شخصی به مخالفت با جنگ برخاست. «در همه آثار به جا مانده از او، روح میهن پرستی موج می زند و گویی هیچ دغدغه ای جز اعتلای آتن و خدمت به میهن نداشت» (کوپال، ۱۳۸۴، ۳۹۹). چهار کمدی از مجموع یازده نمایشنامه کاملی که از او به دست آمده، مستقیماً مربوط به جنگ و تبعات ویرانگر آن است. او در این کمدی ها نه تنها با سیاستمداران ناخرد به ستیز برمی خیزد، بلکه همچنین با نگاهی نکته بینانه، فلسفه ظهور جنگ را هم به زیر سوال می برد. اما نباید ناگفته گذاشت که او در طرح نمایشنامه هایش به سوی شعارگویی و ارائه سخنان پرطمطراق درباره جنگ نمی رود. بلکه در داستان هایی پر از فانتزی و تخیل و پر از طنز و مطایبه، به چالش و رویارویی با جنگ می پردازد.

کمدی های آریستوفان

یازده کمدی کامل از آثار آریستوفان به دست آمده است که کهن ترین میراث بشری را از نمایشنامه های کمدی تشکیل می دهد. این تعداد، از حدود چهل نمایشنامه که او نوشته بر جا مانده است. هنگامی که او نخستین نمایشنامه خود را با نام سورچران ها در سال ۴۲۷ قبل از میلاد نوشت و جایزه دوم جشنواره دیونوسای شهر را به دست آورد، آتن قدرت سیاسی و نظامی چشمگیری یافته بود. در آن زمان از آغاز جنگ پلوپونزی چهار سال می گذشت و پیامدهای جنگ کم کم آشکار می گشت.

آریستوفان، کمدی نویسی را با مقابله با جنگ آغاز کرد. سه نمایشنامه نخستین که آریستوفان نوشت، علیه «کلئون» حاکم جنگ طلب آن هنگام آتن بود، که در ضمن، به عوام فریبی نیز شهرت داشت. این سه نمایشنامه عبارتند از: سورچران ها، بابلی ها و آخارنی ها (از سورچران ها و بابلی ها، متن کامل بر جا نمانده است). کلئون در میان سیاستمداران آتنی در جناح موسوم به دموکرات قرار داشت که از حامیان اصلی جنگ بودند. «بیزاری آریستوفان از جنگ و به ویژه جنگ پلوپونزی و نفرت از او

یکی از شهروندان آتنی که از جنگ بی‌حاصل خسته شده، در صدد برمی‌آید تا با اسپارته‌ها، شخصاً و به طور خصوصی پیمان صلح ببندد و در نتیجه این عمل، کسب و کار خودش را رونق بدهد. همشهری‌هایش به مخالفت با او برمی‌خیزند اما او سرانجام به صلح دست می‌یابد و جنگ‌طلبان مغلوب می‌شوند. آریستوفان در این اثر خود، پریکلس را آتش‌افروز جنگ با اسپارت معرفی می‌کند. زیرا در اصل، این پریکلس بود که برای جریمه کردن و تنبیه مردم شهر مگارا، ورود کالاهای مگاری را به آتن ممنوع ساخت. در نتیجه، اسپارته‌ها به پشتیبانی از مگاری‌ها به آتن اعلام جنگ دادند. البته قهرمان نمایشنامه آخرانی‌ها اظهار می‌دارد که علت آغاز جنگ، توهین مگاری‌ها به آسپاسیا معشوقه پریکلس بوده است، اما ویل دورانت گفته‌های آریستوفان را انکار می‌کند و در کتاب تاریخ تمدن (جلد دوم) می‌گوید که: «آریستوفان نیز همچون مردم عامی آن روزگار، پریکلس را مسبب جنگ پلوپونزی می‌دانست و معتقد بود چون اهالی مگارا به آسپاسیا (معشوق پریکلس) اهانت ورزیده‌اند، پریکلس بدانجا لشکر کشید» (دورانت، ۱۳۶۷، ۴۹۲).

آریستوفان همچنین، در این نمایشنامه به هجو قانون‌گذاران آتن نیز می‌پردازد که در مجلس شهر گرد آمده‌اند و سفیران بی-مسئولیتی را به نقاط مختلف فرستاده‌اند که در عین بی‌کفایتی، دست خالی باز گشته‌اند و هیچ یاری و حمایتی برای آتن به ارمغان نیاورده‌اند.

کمدی دیگر آریستوفان بر ضد جنگ، نمایشنامه «صلح» نام دارد. این نمایشنامه در جشنواره بزرگ دیونوسیا در سال ۴۲۱ پیش از میلاد، جایزه دوم را بود. شخصیت صلح در این نمایشنامه همچون الاهی‌ای زندانی به تصویر کشیده شده است که یک آتنی خسته از جنگ می‌خواهد او را آزاد کند و از عرش خدایان به روی زمین بیاورد و همه آتنی‌ها را غرق نعمت بهشتی کند. این نمایشنامه در هنگامی نوشته شده است که کلئون و رقیب اسپارته‌ای او «براسیداس» از دنیا رفته بودند و مقدمات انعقاد قرارداد صلح میان آتن و اسپارت فراهم شده بود. این قرارداد متضمن یک صلح پنجاه ساله بود، اما عملاً فقط نزدیک به هفت سال دوام آورد. نمایشنامه صلح حاکی از آن بود که کشاورزان بیش از همه، از این صلح خشنود بودند. «اورپید نیز در نمایشنامه ملتسمان^۴، که اندکی قبل از نمایشنامه صلح نوشته شده، دعا می‌کند که دیگر جنگی روی ندهد» (رابینسون، ۱۳۷۰، ۲۸۲). در این نمایشنامه، آریستوفان مجدداً به گونه‌ای بسیار شدید به جناح دموکرات‌های جنگ‌طلب آتنی و به ویژه به فرمانروای وقت آتن، «هوپربولوس» حمله می‌کند. جناح دموکرات در میان سیاستمداران حاکم بر آتن، صنوف و مشاغل همچون اسلحه‌سازی را در اختیار خود داشتند و نفع آنان در تداوم جنگ و رونق تجارت اسلحه بود.

در این نمایشنامه، صلح به صورت الاهی‌ای تجسم شده که توسط شخصیتی نمادین به نام جنگ به اسارت در آمده است. «مونث بودن او، تأکیدی بر جلوه‌های کشاورزی و حاصلخیزی است که از ضروریات صلح به شمار می‌آید» (Taafee, 1993, 39). همسرایان این نمایشنامه، بر خلاف دیگر نمایشنامه‌های آریستوفان که وجودشان مستقیماً مبتنی بر نام نمایشنامه بوده،

داشته است. او طبق اسناد به دست آمده ابتدا دوست آریستوفان بود و با او در یک موضوع اتفاق نظر داشته و آن اینکه باید با دموکراسی فرمایشی و سیاست جنگ‌طلبانه پریکلس به مقابله برخاست. اما بعداً به رقیب آریستوفان در نمایشنامه نویسی بدل شد. «رژ» در کتاب تاریخ ادبیات یونان درباره او گفته که «هفت بار جایزه مسابقات نمایشنامه نویسی را بود و در مسابقه‌ای که به نمایشنامه «آخرنی‌ها»ی آریستوفان جایزه اول تعلق گرفت، او سوم شد» (رژ، ۱۳۵۸، ۳۲۹). ائوپولیس در نمایشنامه‌ای به نام «جوامع» که تنها بخشی از آن بر روی پاپیروس کشف شده، از شکست فاحش ناوگان و سپاه آتن در نبرد سال ۴۱۲ ق.م. به شدت انتقاد می‌کند و پریکلس را به عنوان مسبب آغاز جنگ مورد هجو و انتقاد قرار می‌دهد. رقابت ائوپولیس با آریستوفان در سال ۴۱۱ ق.م. به نقطه پایان رسید. «او در آن هنگام، در جنگ‌های هلسپونت^۵ - در تنگه داردانل - در راه دفاع از میهنش جان باخت» (کیندرمن، ۱۳۶۵، ۱۴۹).

با شکست آتن از اسپارت و سقوط آتن در سال ۴۰۴ پیش از میلاد، کمدی کهن که حاوی شدیدترین انتقادهای سیاسی از حکمرانان و سوء تدبیرهای آنان در اداره جامعه بود، از ارزش و اعتبار افتاد. «با روی کار آمدن پادشاهان کشورگشا و نابود شدن آزادی در شهرهای خودمختار، کمدی کهن ممنوع شد و آریستوفان در سال‌های پایانی عمرش، به ناچار به کمدی میانه روی آورد. چهل نویسنده، نزدیک به ششصد کمدی میانه سرودند، ولی تنها دو کمدی میانه نوشته آریستوفان بر جا مانده است» (ابجدیان، ۱۳۸۰، ۷۹). دولت در آن زمان چنان حساس شده بود که هیچ یک از مسئولان و کارگزاران حکومتی نه می‌توانست و نه می‌خواست که هر گونه انتقادی را بر روی صحنه تئاتر ببیند و بشنود. تنها انتقادی که در کمدی میانه به چشم می‌خورد این بود که «زنان فاسد و مردان عیاش و ماهی‌گیران و آشپزان را دست بیندازند. ده‌ها هزار نفری که هنوز به تماشای نمایش می‌رفتند، چنان از روزگار سرخورده شده بودند که اصلاً نمی‌خواستند از سیاست چیزی بدانند» (کیندرمن، ۱۳۶۵، ۱۷۳).

کمدی‌های ضد جنگ آریستوفان، فقط در میان آثار مربوط به کمدی کهن جای دارند. دو نمایشنامه بازمانده از دوره کمدی میانه، اگر چه خصوصیات انتقادی دارند اما نوع انتقادهای موجود در این آثار، عمدتاً اجتماعی است و طنز سیاسی جای خود را به دیدگاه‌های آرمانشهری و اوتوپایی داده است.

کمدی‌های ضد جنگ آریستوفان

کمدی «آخرنی‌ها»، کهن‌ترین نمایشنامه کمدی باقی‌مانده از تمدن یونان و همچنین کهن‌ترین کمدی ضد جنگ جهان است. آریستوفان این نمایشنامه را در بیست و سه سالگی نوشت و توانست در سال ۴۲۵ پیش از میلاد، جایزه نخست جشنواره لنایا^۶ را کسب کند. این واژه به جشن‌های محلی دیونوسوس (ایزد تاکستان‌ها، شراب و حامی تراژدی)، در آتن اطلاق می‌شد که از اعصار بسیار قدیم در آن سرزمین مرسوم بود. در این نمایشنامه،

به شهرها شده بودند. اما «شهر»، رویای فریبدهای بیش نبود. ساکنان آتن از زندگی در شهر جنگزدهای که دشمن در نزدیکی آن اردو زده بود، رنج می بردند. از این رو دو آتنی بیزار از شهر جنگزده خود، به قصد بنا کردن شهر جدیدی در قلمرو پرندگان و بر فراز ابرها، به نزد پرندگان می روند تا برای تأسیس شهری جدید با آنها به توافق برسند. آریستوفان در بخش پرولوگ نمایشنامه، از تمام شهرهایی که جنگ، در آن هنگام در آنها جریان دارد، نام می برد و آنها را شایسته زندگی کردن قلمداد نمی کند. ساختن شهری در آسمان، تخیلی ترین اندیشه‌ای است که در تمام نمایشنامه‌های آریستوفان دیده می شود. در این فانتزی بی مانند، پرندگان، مقام و منصبی هم‌رتبه ایزدان اسطوره‌ای المپ می یابند و زئوس که سرسختی انسان‌ها را مشاهده می کند، سرانجام در برابر خواسته آدمیان تسلیم می شود.

نمایشنامه پرندگان، اگرچه تصویری شاد و روشن از دنیای آرمانی آریستوفان ارائه می کند، اما در عمل، بیانگر فضای تاریک و غم‌انگیزی است که حمله ناوگان آتن به بندر سیراکوز در سیسیل برای تمام یونانی‌ها ایجاد کرده بود. شخصیت‌های اصلی نمایشنامه، نماد عدالت‌جویانی خانه به دوشند که برای نجات از ظلمات آتن، دادگاه‌های بیدادگرانه‌اش و جنگ‌های خانمان‌سوزش به برهوتی پناه آورده‌اند تا عدالت را در پناه جغد و کلاغ و کرکس و پرندگان دیگر بیابند. پیام درونی نمایشنامه بسیار تلخ و جدی است: عدالت را روی زمین نمی توان یافت و باید آن را در آسمان جست. شگفت نیست که ویل دورانت نیز علاوه بر همه مورخان و محققانی که نام بردیم، «آن را شاهکار آریستوفان خوانده است» (دورانت، ۱۳۶۷، ۴۸۰).

کمدی ضد جنگ دیگر آریستوفان، «لوسیستراتا» نام دارد. این اثر دارای طرحی کمیک و بسیار شاد است. زنان آتن و اسپارت که از جنگ خسته شده‌اند، پیمان می بندند تا زمانی که جنگ ادامه دارد، به شوهران خود روی خوش نشان ندهند و آنان را شب‌ها به خانه راه ندهند. این نمایشنامه در سال ۴۱۱ پیش از میلاد، در حالی که روی صحنه رفت که سه سال قبل از آن، آتنی‌ها در لشکرکشی به سیسیل شکست سختی خورده بودند و تمام آحاد جامعه آتن از جنگ خسته شده بود. توکودیدس مورخ، که گاه با نام توسیدید شناخته می شود، پایان آن جنگ را چنین توصیف می کند: «از همه عملیات جنگی یونانیان که در تاریخ ضبط شده است، این یکی مهم‌تر از همه بود. آتنی‌ها و متحدانشان از هر لحاظ شکست خورده بودند و رنج و عذابشان نهایت نداشت. کشتی‌ها و لشکرشان از روی زمین محو شد. هیچ چیز بر جای نماند و از آن همه سرباز که حرکت کرده بودند، تنها عده معدودی بازگشتند. لشکرکشی به سیسیل، بدین ترتیب پایان پذیرفت» (رابینسون، ۱۳۷۰، ۲۹۵).

در سال ۴۱۴ پیش از میلاد، آتنی‌ها چنین شکست مفتضحانه‌ای خوردند. یک سال بعد در ۴۱۳ پیش از میلاد، اسپارتی‌ها مجدداً جنگ با آتن را آغاز کردند و دو سال بعد که فلاکت جنگ به اوج خود رسیده بود، آریستوفان نمایشنامه لوسیستراتا را نوشت که هجویه کاملی بر ضد حاکمان جنگ افروز آتن بود. در پایان این

آریستوفان که وجودشان مستقیماً مبتنی بر نام نمایشنامه بوده، گروهی از کشاورزان هستند که اگر چه عملاً به الاهی صلح مرتبط نیستند، اما جملگی از مواهب صلحی که او بشارت‌دهنده آن است، بهره‌مند می شوند. نمایشنامه سرانجام با جشن و شادی به پایان می رسد و بوی خوش صلح در همه جا می پیچد. کمدی صلح را باید صریح‌ترین اثر ضد جنگ آریستوفان تلقی کرد.

مخالفت آریستوفان با جنگ، دیگر بار در کمدی «پرندگان» آشکار گشت. کمدی پرندگان در سال ۴۱۴ ق.م. در شرایطی نوشته شد که آتن عواقب سخت ناشی از شکست لشکرکشی نظامی به سیسیل را تحمل می کرد. همه ذخایر مالی آتن، صرف این لشکرکشی بی حاصل شد. قشونی نزدیک به ۲۷۰۰۰ نفر با ۱۳۴ کشتی و ۱۳۰ قایق در این حمله شرکت داشتند. «سه سردار آتنی، رهبری این حمله را به عهده گرفته بودند: نیکیاس، لاماخوس و آلیکیاداس» (رابینسون، ۱۳۷۰، ۲۸۸). به دنبال آن، به هم ریختگی سیاسی در آتن، خیانت سرداران و فروخته شدن مجدد جنگ با اسپارت، آتنی‌ها را دچار مشکلات فراوانی کرد. «آتنی‌ها روحیه خود را کاملاً باخته بودند و دوره استیصال بعد از لشکرکشی به سیسیل را می گذراندند» (Levin, 1962, 106). کمدی پرندگان، رویای کسانی را بازگو می کند که از جنگ بیزار شده‌اند و مدینه فاضله‌ای را برای زندگی بهتر می جویند. یعنی جایی، که از حکمرانان و ایزدان اسطوره‌ای که چشمانشان را به روی این همه بی عدالتی بسته بودند، دیگر اثری وجود نداشته باشد.

کمدی پرندگان را شاهکار آریستوفان قلمداد می کنند و عموم پژوهشگران تئاتر از آن ستایش کرده‌اند. از جمله: آر. اف. کلارک، «آن را سرگرم‌کننده‌ترین اثر آریستوفان دانسته است» (کلارک، ۱۳۷۰، ۳۴). هایتس کیندرمن «این اثر را درخشان‌ترین خلاقیت تئاتر یونان باستان به شمار آورده است» (کیندرمن، ۱۳۶۵، ۱۶۱). باکتر تراویک نیز «آن را شاهکار آریستوفان دانسته و معتقد است که این نمایشنامه از تصویرسازی زیبا، تخیل ظریف و شخصیت‌پردازی نیرومندی برخوردار است» (تراویک، ۱۳۷۶، ۱۰۹). اچ. جی. رُن، «آن را شایسته کسب رتبه اول در جشنواره سال ۴۱۴ پیش از میلاد می داند، در حالی که این اثر در آن جشنواره مقام دوم را کسب کرد» (رُن، ۱۳۵۸، ۳۲۸) و N.R. Teitel، «کمدی پرندگان را در میان کمدی‌های این نویسنده آتنی بی نظیر دانسته است» (Teitel, 1969, 73). کارلو فریدیناو روسو نیز «آن را کاملاً استثنایی خوانده است» (Russo, 1997, 148). هیچ‌یک از نمایشنامه‌های دیگر آریستوفان تحسین یکپارچه همه منتقدان را همچون نمایشنامه پرندگان برنینگخته است.

راز این جاودانگی را باید در طرح بسیار ابدایی و همچنین سرشار از فانتزی این کمدی دانست. این نمایشنامه که بلندترین اثر آریستوفان به شمار می آید، انسان‌هایی خسته از جنگ را به تصویر می کشد که به دنبال رویای صلح، به جستجوی آرمان شهری عاری از جنگ برآمده‌اند. در هنگام نوشته شدن این نمایشنامه، عموم بیلاق‌نشینان آتنی، به دلیل اردوکشی‌های نظامی در شمال شبه جزیره آتیکا، مجبور به ترک روستاها و هجوم

درباره جنگ بدانیم، بلکه می‌توان آن را اثری قلمداد کرد که در آن، زنان می‌خواهند به نمایندگی از سوی مردان، شهر مجروح از جنگ را با برگزاری جشنی در ستایش مردانگی و بازگشت به سوی ارزش‌های سنتی، مداوا کنند. در واقع زنان در این نمایشنامه برای مردان جنگ طلب، تنبیه بسیار سختی مقرر کرده‌اند و خود به عنوان منجی جامعه، آستین‌ها را برای نجات آتن و اسپارت بالا زده‌اند.

از پای درمی‌آیند و صلح برقرار می‌شود و نمایشنامه با برگزاری جشنی شاد، به پایان می‌رسد.

به نظر ریچموند نویل، «نمایشنامه لوسیستراتایکی از بهترین آثار آریستوفان به شمار می‌آید. به نظر او این نمایشنامه، بهترین دفاعی به شمار می‌آید که آریستوفان در کل آثارش از صلح به عمل آورده است» (Neuville, 1966, 49). مهم‌تر اینکه، نقش زنان به عنوان پدیدآورندگان صلح در این اثر، برجسته شده است. اما این کمدی را نباید فقط اثری درباره زنان و نگرانی‌های آنان

نتیجه

آثار او غالباً همدردی ما را برمی‌انگیزند و درد مشترک بشری را در پیش چشمانمان به نمایش درمی‌آورند. او همواره در جستجوی راه و روشی آرمانی برای زندگی است. آریستوفان رویای یک اجتماع آرمانی را در سر می‌پرورد که فساد و تباهی در آن رخنه نکرده باشد و اثری از فقر و بی‌عدالتی و جنگ در آن به چشم نیاید. تمام پیش‌بینی‌های او در دوره حیاتش به تحقق پیوست. او شاهد آن بود که افروزندگان آتش جنگ و سوداگران جنگ‌افزارپیشه، آتن را به نابودی کشاندند و فقر و کوچ اجباری و انبوهی از کشته شدگان را بر جامعه تحمیل کردند. اما نبوغ او در آن بود که در سرزمینی میان آن همه آتش و خون، موضوعی برای خندانند مردم می‌یافت و در حالی که آتن پر از اجساد مردگان و مردان در حال احتضار بود و در آن هنگام که قلب این شهر اندک اندک از تپش باز می‌ایستاد، نویسنده دردمند، باز هم بهانه‌ای برای آفریدن کمدی و نشان دادن لبخند بر لب‌های تماشاگران تأثر به دست می‌آورد.

یونانیان در سده پنجم پیش از میلاد، فرهنگی را پایه‌ریزی کردند که پس از طی بیست و پنج قرن، هنوز اعتبار خود را حفظ کرده است. آنها اگر چه نخستین طنزپردازان عالم نبوده‌اند، اما بی‌گمان نخستین قومی بودند که کمدی را به عنوان یک «قالب» هنری، با ساختاری نظام‌مند و منطبق با اصول زیبایی‌شناسی خاص خود پدید آوردند.

کمدی‌نویس تلخ‌زبانی چون آریستوفان، با وجود محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه آتن، می‌کوشید تا با زبان طنز، خواست‌ها و آرزوهای انسان‌دوستانه خویش را بیان کند. برای او خدمت به میهن، به نوعی ایدئولوژی بدل شده بود و او با دغدغه‌ای عمیق و انسانی در همه آثار خود با حمله‌هایی زهرآلود به حکمرانان جنگ طلب آتنی و بازنده کردن قهرمانان اسطوره‌های جنگ تروا، بر آن بود تا سیمای رنگ‌باخته فرشته عدالت را برای هم‌میهنانش زنده کند.

انسان در کمدی‌های او همواره می‌تواند تصویری از سیمای رنج کشیده خود را در طول تاریخ مشاهده کند. شخصیت‌های

پی‌نوشت‌ها

فهرست منابع

- ۱ اجدیان، امرااله (۱۳۸۹)، تاریخ ادبیات انگلیس، جلد پنجم، انتشارات دانشگاه شیراز.
- آریستوفان (۱۳۷۸)، پرندگان، ترجمه عطالله کوپال، انتشارات نیلا، تهران.
- بهمنش، احمد (۱۳۷۱)، تاریخ یونان قدیم، جلد اول، انتشارات دانشگاه، تهران.
- تراویک، باکتر (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات جهان، جلد اول، ترجمه عربعلی رضایی، انتشارات فرزانه روز، تهران.
- توین‌بی، آرنولد (۱۳۶۸)، تاریخ تمدن، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
- رابینسون، چارلز، الکساندر (۱۳۷۰)، تاریخ باستان، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
- رُز، اچ جی (۱۳۵۸)، تاریخ ادبیات یونان، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- کلارک، آر. اف (۱۳۷۰)، رشد و ماهیت درام، ترجمه محسن طاری، انتشارات آهو، تهران.

۱ با این حال در ۱۳۷۸، نخستین کمدی آریستوفان به فارسی انتشار یافت و سپس طی دو سال تلاش بی‌وقفه، کلیه آثار این کمدی‌نویس یونانی با ویرایش و مطابقت نگارنده، به همت مترجم و الامقام آقای رضا شیرمرز، به فارسی برگردانده و توسط انتشارات نمایش منتشر شد و امکان پژوهش‌های بعدی را بر روی کمدی‌های آریستوفان فراهم ساخت.

2 Hellespont.

3 Lenaea.

4 Suppliants.

۵ Lysistrata (به معنی منحل‌کننده ارتش. حرف Y، به یونانی با صدای U خوانده می‌شود).

کیندرمن، هاینتس (۱۳۶۵)، تاریخ تئاتر اروپا، جلد اول، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.

کوپال، عطالله (۱۳۸۴)، سرچشمه پیدایش کمدی، نشر قطره، تهران.
گلدیل، سایمون (۱۳۸۰)، درباره اورستیا، ترجمه رضا علیزاده، نشر مرکز تهران.

دورانت، ویل (۱۳۶۷)، تاریخ تمدن، جلد دوم، گروه مترجمان، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.

Aristophanes (1988), *The complete plays*, Bantman books, New York.

Neuvil, Jr. H. Richmond (1966), *The plays of Aristophanes*, Monarch Press, New York.

Russo, Carlo Ferdinando (1997), *Aristophanes an author for the stage*, Routledge, London.

Taafee, lauren, k (1994), *Aristophanes and women*, Routledge, London.

Teitel, N.R (1969), *Aristophanes, four major plays*, Airmont Publishing Company.

